مقاله پژوهشی

سبک ادبی حسینقلی‌خان کلهر کرمانشاهی (سلطانی) با استناد به دیوان خطی وی

شهلا رستمی، مهری پاکزاد*، نسرین چیره، نادر کریمیان سردشتی

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران.

سال نوزدهم، شماره دهم، دی ۱۴۰۵، شماره پی در پی ۱۲۸، صص ۶۹-۴۳

https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2027.19.8337

نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: دیوان حسینقلی‌خان کلهُر کرماشانی متخلّص به «سلطانی» (۱۲۴۹ـ ۱۳۰۳ هـ.ق) یکی از مواریث خطّی ادب ایران دردورهٔ ناصرالدین شاه قاجار است که تاکنون تصحیح و بررسی جامع سبک‌شناسی نشده‌است. نسخه‌ای از این دیوان به شمارهٔ ۴۸۶۲ در مجموعه‌ای وابسته به آستن قدس رضوی نگهداری میشود و به خط شاعر تحریر شده‌است. هدف پژوهش حاضر، معرفی مختصر این نسخه و بررسی ویژگی‌های سبک ادبی سلطانی در سه سطح طبانی، ادبی و فکری است. همچنین کوشش شده است میزان پیوند شعر او با سنت شعر فارسی و گرایش وی به شاعران سبک خراسانی و آذربایجانی بررسی شود.

روش مطالعه: این پژوهش از نوع مطالعات نظری و به شیوهٔ توصیفی ـ تحلیلی انجام شده است. در این پژوهش با نگرش علمی و بهره‌گیری از منبع مستند و با دقت، احتیاط و رعایت شرط امانتداری در شناساندن اثر و تحلیل محدوده و جامعهٔ مورد مطالعه در حوزهٔ سبک‌شناسی ادبی گام برداشته است.

یافته‌های تحقیق: با بررسی دیوان شاعر میتوان در مورد مؤلفه‌ها و شاخصه‌های شعری سبک او گفت، وی از شاعران دورهٔ بازگشت و متمایل به سبک خراسانی و آذربایجانی به ویژه سبک امیر معزّی، ناصرخسرو، انوری، عنصری، خاقانی است. دیوان بالغ بر شانزده هزار بیت است. بیشتر اشعار در قالب قصیده است. کاربرد اوزان عروضی و قافیه، دارای تنوع و تلون است. در صنایع بدیعی، بیشتر، صنایع معنوی به ویژه تلمیح و تضمین کاربرد چشمگیری دارد و در سطح فکری شعر سلطانی را باید شعری مدحی ـ مذهبی به ترتیب اول مدح اهل بیت و ائمهٔ اطهار، امام قائم(عج) و سپس مدح حکّام دانست.

نتیجه پژوهش: اهمّیّت این دیوان جدا از جنبهٔ نسخه‌شناسی، جنبهٔ ادبی و پیروی شاعر از سبک خراسانی و آذربایجانی، به عنوان یک سند تاریخی از دو گونه مدح در دورهٔ قاجار یکی مدح سلاطین و اُمراء و دیگر اهل بیت میتواند یک مرجع ناشناخته و مهمّ ادبی از ادبیات مذهبی(تشیّع) در بخش مدح و منقبت اهل بیت باشد.

تاریخ دریافت: ۲۷ خرداد ۱۴۰۵
تاریخ داوری: ۳۰ تیر ۱۴۰۵
تاریخ اصلاح: ۱۶ مرداد ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۲۸ شهریور ۱۴۰۵

کلمات کلیدی:
نسخهٔ خطی، حسینقلی‌خان کلهُر، دیوان، سبک‌شناسی، دورهٔ بازگشت.

* نویسنده مسئول:
pakzad@iau-mahabad.ac.ir
(+۹۸ ۲۱)

Nintenth year, Number Ten, Junuary 2027, Continuous Number 128, Pages: 43-69

Journal of the stylistic of Persian poem and prose
(Bahar-e- Adab)
Home page: https://www.bahareadab.com

ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

The Literary Style of Hossein Qoli Khan Kalhor of Kermanshahi (Sultani) :A Stylistic Analysis based on His Manuscript Divan

Sh. Rostami, M. Pakzad*, N. Chireh, N. Karimian Sardashti
Department of Persian Language and Literature, Mah.C., Islamic Azad University, Mahabad, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 17 June 2026
Reviewed: 21 July 2026
Revised: 07 August 2026
Accepted: 19 September 2026

KEYWORDS
Manuscript, Hossein-Qoli Khan Kalhor, Divan, Stylistics, Bazgasht (Literary Return) period.

*Corresponding Author
✉ *pakzad@iau-mahabad.ac.ir*
☎ (+98)

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: The *Divan* of Hosseingholi-Khan Kalhor Kermanshahi-known by the pen name "Soltani" (1203–1352 AH)-is a manuscript heritage of Persian literature that has not yet been critically edited. The poet was a contemporary of Naser al-Din Shah Qajar and, subsequently, Mozaffar al-Din Shah. The aforementioned poetry collection comprises approximately 183 qasidas, tarji'-bands, tarkib-bands, and musammat poems. This study aims to introduce the *Divan-e Soltani* based on the complete manuscript held at Astan Quds Razavi (No. 4862); it examines the work from the perspective of literary stylistics, analyzing it across three dimensions: intellectual, literary, and linguistic.

METHODOLOGY: The present study is a theoretical inquiry employing a descriptive-analytical approach based on library research. This research adopts a scholarly approach, drawing upon documented sources and proceeding with precision, caution, and a commitment to integrity in introducing the work and analyzing the scope and population of the study within the field of literary stylistics.

FINDINGS: An examination of the poet's *Divan* reveals the characteristics and stylistic markers of his poetry; he belongs to the "Return" (*Bazgasht*) era and leans toward the Khorasani and Azerbaijani styles—specifically emulating poets such as Amir Mo'ezzi, Naser-e Khosrow, Anvari, Onsori, and Khaqani. The *Divan* comprises over sixteen thousand verses. Most of the poems are in the form of the *qasida*. The use of prosodic meters and rhyme is characterized by variety and diversity. Regarding rhetorical devices, semantic figures-particularly allusion (*talmih*) and quotation/interpolation (*tazmin*)-feature prominently; in terms of intellectual content, Soltani's poetry is best characterized as panegyric and religious, prioritizing praise of the Ahl al-Bayt and the Infallible Imams-specifically the Imam Qaim (AJ)-followed by praise of rulers.

CONCLUSION: Beyond its codicological significance, its literary value, and the poet's adherence to the Khorasani and Azerbaijani styles, this *Divan* serves as a historical record of two distinct forms of Qajar-era panegyric-one addressed to sultans and nobles, and the other to the Ahl al-Bayt. Consequently, it stands as an important, hitherto under-recognized literary resource within the realm of religious (Shi'a) literature, specifically regarding the praise and encomium of the Ahl al-Bayt.

https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2027.19.8337

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
26	2	1

مقدمه

پژوهش در زمینهٔ میراث علمی ـ ادبی ایران به مثابهٔ احیای فرهنگ و ادب و نهضت گسترش زبان و ادبیات و چه بسا هویّت فرهنگی ماست. دیوان خطیِ «سلطانی»ِ شاعر، یکی ار مواریث گرانبها و بکر ادب فارسیِ دورهٔ قاجار است که تاکنون تصحیح یا پژوهشی علمی و ادبی در زمینهٔ آن صورت نگرفته. چه بسیار شاعران گمنامی در این دوره بوده‌اند که آثارشان به دلیل آشفتگی و نابه‌سامانی اوضاع مملکت در پستوی کتابخانه‌های شخصی یا دربار و مخازن نگهداری کتاب، به باد فراموشی سپرده شده‌اند که بی‌گمان هر کدام به سهم خویش برگی زرین بر ادب پرافتخار ایران زمین میافزاید. محتوای نسخهٔ خطی دیوان حسینقلی‌خان کلهر مجموعه‌ای از مدح و منقبت اهل بیت و نیز مدح ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه قاجار و دیگر وزرا و کارگزاران دورهٔ قاجار است. دیوان این شاعر، میتواند منبع مفیدی برای بازشناسی بخشی از تاریخ اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار و اوایل سلطنت مظفرالدین‌شاه باشد.

مهمترین مسألهٔ پژوهش حاضر معرّفی یک نسخهٔ معتبر از نسخه‌های موجود از دیوان سلطانی و نیز روشنگری در زمینهٔ ویژگی‌های سبک ادبی آن است که آوردن نمونه‌ها و شواهد شعری از این رهگذر میتواند سودمند باشد. برای رسیدن به این هدف همانطور که ذکر شد معرفی نسخهٔ دست‌نویس دیوان سلطانی و ذکر ویژگیهای ادبی آن از منظر سبک‌شناسی ادبی است.

پژوهش حاضر در پاسخ به این پرسش انجام گرفته که دیوان اشعار حسینقلی‌خان کلهر شامل چه اشعاری و به چه ترتیبی است و ساختار نسخهٔ خطی آن و مشخصات آن چیست؟ و ویژگی‌ها و سبک شاعر در سرایش اشعار این دیوان چگونه است؟

هدف پژوهش

علاوه‌بر منابعی که بیانگر ادب در دورهٔ قاجار است، دیوان سلطانی از آن دسته دیوان‌هایی است که در دورهٔ قاجار توسط یک کُرد فارسی‌نویس کرمانشاهی به زبان فارسی سروده شده است؛ میتوان گفت این دیوان در نوع خود نمایندهٔ دوستی اهل بیت در عمق و گسترهٔ ادب فارسی شیعی در دورهٔ قاجار است. هدف این مقاله، معرفی مختصر شاعر و بررسی محتوای اشعار دیوان خطی «سلطانی» از دیدگاه سبک‌شناسی است. دیوان سلطانی دارای چه ویژگی‌هایی است؟ از چه چیز بحث میکند و از چند بخش تشکیل شده است؟ از دیگر اهداف جانبی این تحقیق این است که حسینقلی‌خان کلهُر(سلطانی) تا چه اندازه به سبک دورهٔ پایبند بوده یا چه نوآوری‌هایی در سبک شعری وی می‌توان یافت؟

پیشینهٔ پژوهش

آنچه مسلّم است این است که تاکنون مقاله‌ای مستقل که اختصاصاً به معرفی این شخصیت و دیوان وی و سبک ادبی آن نوشته نشده است. اما در مورد کلّیّتِ شرح حال و آثار وی به ندرت پژوهش‌هایی در برخی سایت‌ها و وبلاگ‌ها بدون ارجاعات علمی معتبر انجام گرفته است.

شیوهٔ پژوهش

پژوهش پیش‌رو، مطالعه‌ای نظری با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای به شیوهٔ توصیفی ـ تحلیلی، با هدف شناساندن دیوان سلطانی از روی نسخهٔ خطی کامل از آستان قدس رضوی به شماره ۴۸۶۲، ضمن معرفی اثر در سه سطح

فکری، ادبی و زبانی از منظر سبک‌شناسی ادبی ویژگی‌های سبکی شعر «سلطانی» را بیان کند. در این پژوهش با نگرش علمی و بهره‌گیری از منبع مستند و با دقت، احتیاط و رعایت شرط امانتداری در شناساندن اثر و تحلیل محدوده و جامعهٔ مورد مطالعه در حوزهٔ سبک‌شناسی ادبی گام برداشته است و به بررسی موضوع پژوهش میپردازد.

مختصری از شرح حال حسینقلی‌خان کلهر(سلطانی)

نام اصلی شاعر حسینقلی‌خان، پدرش مصطفی قلی‌خان دیوان‌بیگی کرمانشاهان که مدّتی هم حکومت طوایف کلهر را کرده... مجملاً اجدادش سالیان دراز در کرمانشاهان بر طوایف کلهر حکومت و ریاست داشته‌اند (دیوان‌بیگی، ۱۳۶۴: ۷۸۸). آنگونه که از نقل قول دیوان‌بیگی از دوستان و همعصران سلطانی برمیآید وی باید متولد ۱۲۴۹هـ‌ق بوده باشد. یعنی مقارن حکومت ناصرالدین‌شاه: «اما حال خان «سلطانی» مختصر این که، الحال که سال هزار و دویست و نود و شش است، ۴۷ سال از عمرش گذشته. دیوان‌بیگی او را مردی افتاده، آرام و رفیق و انیس و شفیق کلیهٔ اهل ادب وصف میکند و میگوید هرچه در اخلاقش سخن بیش گویم کم است. از کودکی آثار فضل در او نمایان بود و لذا با علاقه مشغول تحصیل کمال شد. علما از پدرش اصرار میکنند که او را به عتبات عالیات و اماکن شریفه بفرستد اما پدرش مانع ازین سفر شد. اما با این حال مسافرت‌هایی به تهران، اصفهان، رشت و در مجموع گیلان داشته. دیوان‌بیگی صاحب حدیقه‌الشعرا یادآور میشود که افتخار هم‌صحبتی و مجالستِ حسینقلی‌خان کلهر(سلطانی) را داشته و میگوید در سال ۱۲۹۳ مقارن با ورود حسام‌الدوله به عنوان حاکم کرمانشاه از سوی حکومت قاجار، حسینقلی‌خان برای او قصیدهٔ غرّایی میفرستد که مورد تحسین قرار میگیرد و بعد از راه یافتن به بارگاه حسام‌الدوله به عنوان شاعر و مقبول افتادن شعرش در حضرتِ وی، معزز، محترم و به انعامات و رواتب و مقرری مخصوص گشت(همان: ۷۸۸). دیوان‌بیگی تعداد ابیات سلطانی را تا شصت هزار بیت دانسته و آثار زیر را به او منسوب نموده: منظومهٔ ضیاءالفرقدین، منظومهٔ هفت اورنگ، قصهٔ عجیب و غریب، منظومهٔ بحرالبُکا، تاریخ بدیع‌الوقایع، طرزالبیان، درهٔالسلطانیه، مناقب حسامیه (همان: ۷۹۰).

دیوان‌بیگی در ادامهٔ شرح حال شاعر میگوید که در جمادی‌الاولی سال ۱۳۰۳ هـ‌ق از کرمانشاه برایش نامه‌ای فرستاده بودند که حاوی خبر درگذشت سلطانی بود و در آن گفته بودند که در ماه قبل، خان سلطانی به رحمت الهی واصل شد و دیوان‌بیگی برای مرگ سلطانی این ماده تاریخ‌ها را سرود: «سلطان شهید یار با سلطانیست» و «شاه شهیدان شفیع سلطانی باد»(همان: ۷۹۳).

بحث

ابتدا به معرفی دیوان دست‌نویس حسینقلی‌خان کلهر (سلطانی) که منبع اصلی سبک‌شناسی شعر سلطانی است میپردازیم؛ نسخه مربوط به آستان قدس رضوی است و تحریر شده به سال ۱۲۹۷ هـ ق به دست خط خود شاعر است؛ البته این نسخه آنچنانکه از نوشتهٔ سرآغاز آن دیده میشود شامل جلد اول قصاید، مسمّطات و ترکیبات است.

ـ محل نگهداری: کتابخانهٔ ملی مَلِک وابسته به آستان قدس رضوی.

ـ شمارهٔ فهرست خطی: ۴۸۶۲ و تاریخ ثبت نسخه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۱ شمسی.

ـ نوع خط: خط تحریری ساده (ترکیبی از نستعلیق و شکسته).

ـ تعداد برگ: ۲۹۳ ورق که شمار پشت و رو ۵۸۶ صفحه در قطع ۲۳×۱۵.

ـ جنس کاغذ: نخودی رنگ(کاهی مخصوص خوشنویسی) ساده بدون نقش و نگار.

ـ سال تحریر: فی اواخر شهر جمادی الثانیه فی شهور سنهٔ ۱۲۹۷ من الهجریّه.

روی مُهر شناسهٔ آستان قدس رضوی، زیر عنوان آستان قدس رضوی نوشته شده کتابخانهٔ ملی مَلِک ـ طهران شماره ۴۸۶۲ که نشان میدهد این کتابخانه تحت حفاظت آستان قدس رضوی بوده‌است.

ـ محتوا: قصاید(۱۸۳ مورد) و ترکیب‌بندها(۱۰ مورد) و مسمطات (۷ مورد)

همانطور که در تصویر زیر از صفحهٔ اول نسخهٔ آستان قدس رضوی/ مَلِک به شماره ۴۸۶۲ مشاهده میگردد، با جوهر قرمز عنوان کتاب چنین معرفی شده است: «هوالنّاصر الوهّاب، جلد اول دیوان سلطانی کلهر مشتمل بر قصاید و مسمّطات و ترکیبات و موسوم به تاج‌المدایح که بعد از فقدان شطری بزرگ اشعار در سنهٔ ۱۲۹۷ جمع و تحریر شد. جلد دویم آن غزلیات است که بعد مرتب میشود [؟]»[1].

در سمت چپ این برگ مُهری به شکل حروف M و H به شکل گرافیکی و در هم دیده میشود که همین مهر در پایان نسخه نیز تکرار شده و در تصاویر بعد دیده میشود این مُهر، خلاصه نام و نام خانوادگی بنیانگذار کتابخانهٔ مَلِک (تأسیس۳۲۷۸ هـ‌ش)یعنی«حاج حسین مَلِک» است.

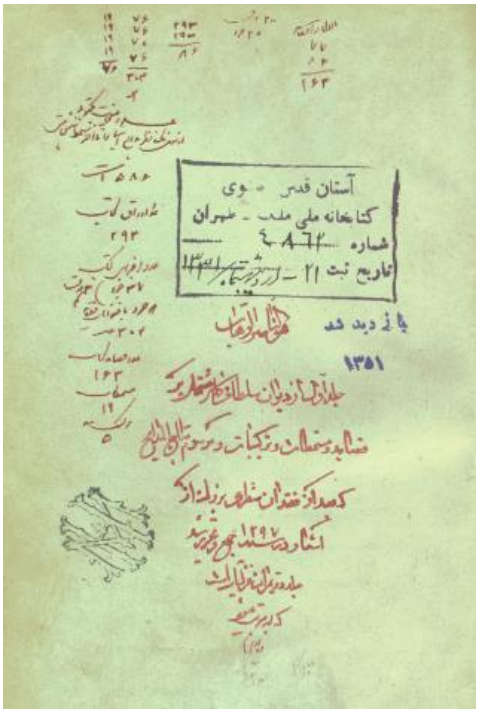

در صفحات پایانی این نسخه با جوهر مرکب قرمز آنچنان که در عکس ذیل مشاهده میکنید نوشته شده است:

و قد فرغت من تسوید هذا الکتاب فی أواخر شهر جمادیه الثانیه من شهور سنه ۱۲۹۷ من الهجریه و انا العبدالالناظم الکتاب حسینقلی کلهرالملقب بسلطانی تَمَّ بالخَیر

یَلوح الخط بالقرطاس دبراً

[1]. همانطور که در عکس نسـخه مشـاهده می شـود در آخر این نوشـته به رنگ جوهر قرمز یک کلمهٔ نامفهوم دیده می شود که بر نگارنده معلوم نشد.

ترجمه: «و از سیاهه‌نویسی/ نگارشِ این کتاب در اواخر ماه جمادی‌الاثانی سال ۱۲۹۷ هجری فارغ شدم و من، بندهٔ شاعر حسینقلی کلهر ملقّب به سلطانی، آن را به پایان رساندم. به خیر پایان یافت. نقش قلم سرانجام بر صفحهٔ کاغذ پدیدار گشت».

در ادامه با جوهر مشکی چنین نوشته شده که گویا کاتب که خود شاعر بوده خواسته است در ادامه مسمط یا مسمط‌هایی در مدح سیدالشهداء بیاورد، اما میبینینم نسخه در اینجا تمام میشود و حتی یک بیت ازین مسمط را هم مکتوب نمیبینیم. آخرین جملات این نسخه چنین است:

«ناظم این کتاب معروض میدارد که چون این نسخه مرتب شده بود پس از ترتیب آن به خاطرم رسید که خاتمهٔ کتاب را به مسمّطی در ستایش سیدالشهداء و برادر رشیدش حضرت عبّاس علیهماالسّلام هنگام تشرّف به زیارت عتبات عالیات در سنهٔ ۱۲۹۷ هجریه [عرض دهم] زیور افزا شوم لهذا در این مقامش مرقوم داشتم لیکون ختامه مسکاً. والحمد لله اولاً و آخراً. مسمّط اینست».

عکس زیر مربوط به آخرین صفحه از نسخهٔ آستان قدرس رضوی یا همان نسخهٔ ملک به شمارهٔ۴۸۶۲:

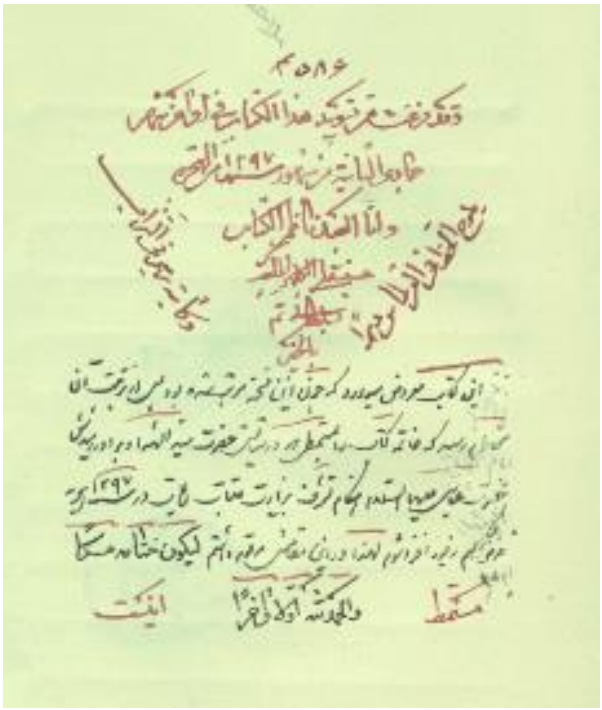

نمونه‌ای از دستخط نسخهٔ مَلِک وابسته به آستان قدس رضوی به شماره ۴۸۶۲

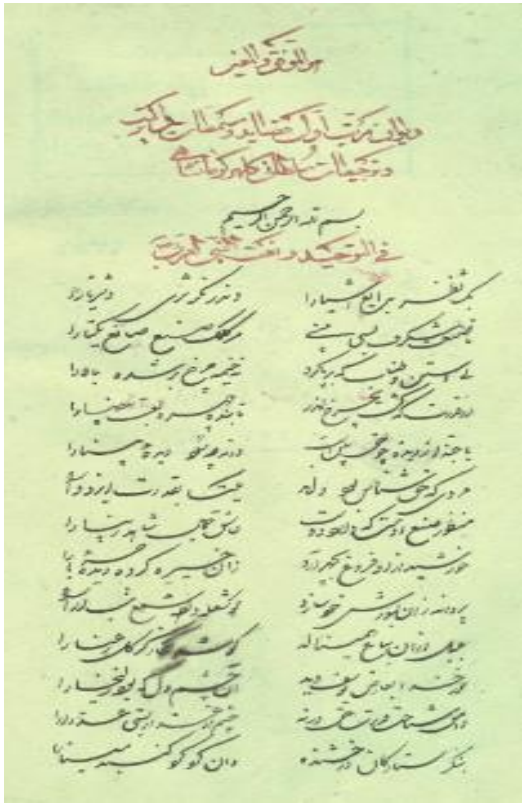

بی‌تردید از جمله موارد مجهولی که در اثنای تصحیح نسخ خطی ادب فارسی، زوایای آن آشکار میگردد و مصحّح ضمن احیای متن و بازخوانی و تصحیح انتقادی و تهیهٔ تعلیقات و فهرست‌ها، به آن میرسد، سبک دوره و فردی نویسنده، شاعر یا مؤلف کتاب است. در این حوزه مصحّح که مانند یک باستان‌شناس عمل میکند متن را از جنبه‌های مختلف شکافته و آنالیز میکند.

سبک‌شناسی دانشی است که از شیوه‌های مختلفی برای بررسی متون بهره میبرد. مثلاً میتواند از کوچکترین سازه‌های زبان یعنی آواها و واجها آغاز کند و تا واژه‌های و کیفّیّت کاربرد آنها، نحو و ساختار جملات، بلاغت و در نهایت اندیشه‌ها و ایدئولوژیهای صاحب اثر را نشان دهد و از این راه اهمّیّت و ارزش هنری و زیبایی‌شناسانه و فکری اثر و صاحب آن نمایان شود. امروزه در ادب فارسی فهرست کردن ویژگیهای سبکی هر یک از آثار ادبی برای برای زیباییهای اثر و رسیدن به سبک دوره و سبک شخصی به یک ضرورت تبدیل شده است.

سبک خراسانی که گاه آن را سبک ترکستانی نیز میگویند، نخستین سبک و سیاق شعر کهن فارسی است که از اوایل سدهٔ چهارم تا میانه‌های سدهٔ ششم هجری و در میان شاعران خراسان و ماوراءالنهر کاربرد داشت. نخستین اشعار زبان فارسی نو، بعد از فارسی میانه و فارسی باستان، در ناحیهٔ خراسان بزرگ به این سبک سروده شده‌اند. این سبک از لحاظ زمانی به دو دورهٔ سامانیان و غزنویان ـ سلجوقیان تقسیم میشود و عمدتاً در مشرق ایران صورت گرفته(شمیسا، ۱۳۷۹: ۲۰). شعر فارسی در قالب قصیده و به پیروی از قصیده‌سرایی و ستایشگری در زبان عربی آغاز شد و در نخستین روزهای حیات خود پا جای پای شعر عربی نهاد و آن را مقتدا و سرمشق خود ساخت. پس از ظهور

کوشید خود را از زیر نفوذ قوانین بلاغت عرب بیرون آورد. در این دوران وزنهایی متناسب با ذوق فارسی‌زبانان برگزیده شد و قالبهایی برای شعر فارسی ابداع گشت که در زبان عربی جز به ندرت کسی بدانها توجه نکرده بود (محجوب، ۲۷۱۱: ۱۲).

وقتی به کلیّت دیوان شعرای ایران مینگریم، میبینیم که به طور عام شعرا در بیشتر قالبهای گوناگون شعر ذوق‌آزمایی کرده‌اند در این بین سطانی نیز از این امر مجزا نیست کما اینکه حجم اشعارش آنقدر زیاده بوده که جلد اول را به قصاید و مسمطات و ترکیبات اختصاص داده و جلد دوم غزلیات با همهٔ اینها چنین به نظر میرسد از بین قالبهای شعری، قصیده در دیوان حسینقلی‌خان کلهر بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده باشد و بجز چند مسمط و ترکیب‌بند که در لابه‌لای قصاید به آنها بر میخوریم قالب دیگری را نمیتوان در جلد اول دیوان وی یافت هرچند که منظومه‌های مستقل دیگری دارد که بیشترشان را در قالب مثنوی سروده‌است.

حسینقلی‌خان کلهر(سلطانی) و دورهٔ بازگشت ادبی

زرین‌کوب ضمن تأیید نظر ریپکا در تاریخ ادبیات ایران از دوران باستان تا قاجاریه(۱۳۵۴: ۲۹۶)، صفا (۱۳۶۹: ۱۱۲) و تاریخ ادبیات ایران از رضازادهٔ شفق (۱۳۲۰: ۳۶۸). در مورد اینکه دورهٔ زندیه و بخش عمده‌ای از دورهٔ قاجاریه را دوره بازگشت خوانده‌اند؛ می‌گوید منظور از این اصطلاح، بازگشت به ادبیات رسمی و درباری است، یعنی ادبیات مستوفیان، شاهزادگان، حکّام و صاحب منصبان دولتی؛ طبقاتی که در عهد افشاریه و زندیه همچنان وارث سنت‌های ادبی روزگاران گذشته بودند و توانستند راه بازگشت را هموار سازند (زرین‌کوب، ۱۳۶۱: ج۲، ۶۳۱). شمیسا مختصات زبانی شاعران بازگشت را به تفصیل آورده‌است و معتقد است سبک بازگشت، خامی زبان دورهٔ اول را طی نموده و از پختگی و کمال دورهٔ دوم برخوردار است (به شمیسا، ۱۳۷۴: ۳۱۰ ـ ۳۱۶). بنابراین میتوان نتیجه گرفت در سبک شعرایی مانند سلطانی به فراخور سلیقه و علاقه‌مندی به پیروی و تقلید از سبک دو دسته از شعرای سبک خراسانی و سپس آذربایجانی ضمن روانی و جزالت، شیوایی و پختگی زبان انوری و خاقانی را نیز میتوان جستجو کرد منتها در یک نوع یا دو نوع خاص ادبی(مدح و مرثیه).

در سال ۱۲۶۰ هـ‌ق به اهتمام حاج میرزا محمد بیدل نخستین انجمن ادبی شاعران کرمانشاه به طور رسمی تأسیس شد(شاکری، ۱۳۷۷: ۱۴۵) از چهره‌های برجستهٔ این انجمن ادبی میرزا محمد بیدل و حسینقلی‌خان سلطانی را باید نام برد؛ در منابع تحلیلی اخیر دربارهٔ ادبیات نیمهٔ دوم قرن سیزدهم به صراحت نامی از این پیشکسوتان شعر فارسی کرمانشاهان نیامده است، جز آن که در حاشیهٔ کتاب از صبا تا نیما اشاره‌ای اشتباه به نام سلطانی شده(سلطانی،۱۳۹۳: ۱۵۳). در حاشیهٔ کتاب از صبا تا نیما آمده است که: «بعضی از شعرای درجهٔ دوم دورهٔ محمدشاه و ناصرالدین‌شاه عبارتند از میرزا قلی سلطانی؛ کلهر کرمانشاهی،...»(آرین‌پور، ۱۳۵۵، ۷۹). آنچه سیداحمد دیوان‌بیگی شیرازی و غلامحسین افضل‌الملک دربارهٔ فضل و کمال مظلومیت فرهنگی این دو شاعر کرمانشاهانی آورده‌اند شاهد واضح است که منابع ادبی اخیر نیز به همان شیوه پیش رفته‌اند به ویژه دربارهٔ حسینقلی‌خان سلطانی؛ در کتاب از صبا تا نیما، با این که احوال، اشعار و اسامی آثار فتح‌الله‌خان شیبانی را آورده است(سلطانی، ۱۳۹۳: ۱۳۳) که هم‌قدم و همراه و هم‌مرتبهٔ حسینقلی‌خان سلطانی بوده است. اما دربارهٔ سلطانی سکوت کرده است زیرا این مورد را گرچه ما از صاحب کتاب از صبا تا نیما میدانیم اما باید انصاف داد که پژوهشگر براساس اثر و مطالعهٔ اشعار و نوشته‌های شاعر به نقد و تحلیل و بررسی میپردازد و آرین‌پور رساله، کتاب و مجموعه‌ای از این شاعر قَدَر (سلطانی) را در دست نداشته است؛ زیست شاعرانه، بی‌توجهی دولت و فرمانروایانِ وقت کرمانشاه که متأسفانه خود از اهل شعر و

ادب بودند و مرگ ناگهانی و زندگی بلاعقاب و سپس ازدواج مجدد همسر، ستمی عظیم را بر این استعدادِ تلف شدهٔ ادبی روا داشت که اگر همّت فتح‌الله‌خان نصیرالدیوان نمی‌بود، آن اندک از قصایدش نیز که سال‌هاست در غبار بی‌اعتناییها گُم شده است، امروز در دست نبود(همان: ۱۵۶).

سبک سلطانی بر اساس دیوان قصاید، ترکیبات و مسمطات

حال در سه سطح زبانی، ادبی و فکری با ذکر شواهدی از دیوان خطی سلطانی با نمونه‌های بارزی که در مجموع بیانگر سبک شاعر است، دیوان مذکور مورد بررسی قرار می‌گیرد. آنچه از مطالعهٔ دیوان برمیآید اینست که بی‌گمان شاعر متمایل به سبک بازگشت ادبی و در این بین مایل به تقلید و استقبال از شعر و زبان سبک خراسانی بوده است.

ویژگیهای زبانی: همانطور که منتقدان گفته‌اند، اشعار سبک خراسانی در مجموع از حیث نوع، بیشتر قصیده و از منظر لفظ، ساده، روان و عاری از ترکیبات دشوار بوده و واژه‌های عربی در آن اندک است. از لحاظ معنی نیز صداقت و صراحت لهجه، تعبیرات و تشبیهات ملموس، از اختصاصات مهم این سبک است. از دیگر مشخصات زبانی این سبک میتوان به موارد ذیل اشاره کرد: استعمال لغات پهلوی و تمایل به باستانگرایی (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۸۱)؛ لغات نزدیک به پهلوی(همان: ۲۸۵) کاربرد اندک لغات عربی (همان: ۲۸۷) تکرار که از محسنات بدیعی زبان پهلوی بود. آثار این سبک بر قیدها و سنتهای لفظی و صوری تکیه دارد. این آثار از تسلسلهای منطقی معانی و شکوه الفاظ برخوردارند(همان: ۳۴۸؛ محجوب، ۱۳۴۵: ۴۹). در این سبک برخلاف دوره‌های بعد که زبان فارسی با زبانهای بیگانه (عربی، ترکی و...) آمیخته میشود، شاعران به زبان فارسی طبیعی و مادری خویش میسرایند، زبان مبتنی بر ایجاز است و خالی از اصطلاحات علمی (شمیسا، ۱۳۷۹: ۶۴).

از جمله ویژگیهای زبانی فوق در شعر سلطانی:

- گرچه اندک بودن واژه‌های عربی از ویژگی‌های سبک خراسانی‌است اما باید دانست که سبک سلطانی از این حیث متفاوت است و بازگشتی به سبک عراقی دارد. در سنجش با دورهٔ سامانی واژه‌های عربی بیشتر شده و از میزان واژه‌های مهجور فارسی کاسته میشود(انوشه ۱۳۷۶: ۷).

فراوانی واژه‌های عربی در شعر سلطانی از ویژگی‌های بارز زبانی است البته کلمات آنقدر مغلق نیستند که مخاطب در فهم آن به سختی بیفتد. میزان کاربرد بسیار کلمات عربی سبب شده گاهی الفاظ عربی جای واژه‌های فارسی را بگیرند چنانکه به طور متوسط از هر بیست کلمه میتوان گفت ۱۰ کلمه عربی است، مانند:

بگشا نظر بدایع اشیا را وندر نگر ثری و ثریا را
تا صنعت شگرف بسی بینی هر کلک صنع صانع یکتا را
(سلطانی: نسخه خطی شماره ۴۸۶۲: ۱)

به کار بردن واژه‌ها، اصطلاحاتمذهبی، نجومی و... ، نام‌ها، جای‌ها، مکان‌ها و اشخاص و اقوام مانند اورمزد، زحل، بهرام، تیر، زهره، شوله، نعایم، ذابح، سعد، اجنبه، رامح، اکلیل، قلب، صرفهٔ عوّا، کف الخضیب، حیّه و حوّا همه از اصطلاحات و مباحث علم نجوم در قدیم است. با دقت در اشعار منوچهری با وصف اینکه سبک وی خراسانی است، کاربرد انواع اصطلاحات علوم از جمله نجوم را میتوان به عنوان یکی از شاخصه‌های سبکی یاد کرد در شعر سطانی نیز این اصطلاحات به وفور یافت میشود:

وان اورمزد وان زحل و بهرام و آن تیر و ماه و زهرهٔ زهرا را
وان آفتاب کز رخ نورافشان بخشد فروغ طارم خضرا را
وان شوله و نعایم و ذابح را و آن تافته زبانه زبانا را
وان شکل سعد و اجنبه و رامح و اکلیل و قلب و صرفهٔ عوّا را
وان بر فلک نگاشته صورتها کف الخضیب و حیّه و حوّا را
(نسخهٔ خطی دیوان، ص۱)

اگر تنها در این چند بیت از یکی از قصایده به شرح اصطلاحات نجومی پرداخته‌شود ضمن اطناب و بالارفتن حجم مقاله از هدف پژوهش نیز دور میشویم، لذا تنها به شرح یکی از اصطلاحات نجومی بسنده میشود.
«اکلیل: [اِ] (اِخ) یکی از منازل ماه و آن چهار ستاره است صف کشیده. از ستارگان منزلهای قمر و آن سه ستاره است و فاصلهٔ هر یک از آنها به نظر یک ذراع میرسد، وجه تسمیه آن بدین سبب است که گویی چون تاجی بر پیشانی عقرب قرار داد»(دهخدا. ذیل واژه). نام دو صورت فلکی(فرهنگ فارسی معین).

➢ ذکر رجال و اسامی خاص: در بیشتر اشعار دیده میشود که در سطح ادبی جزو تلمیح و اقتباس نیز قابل بحث است:

نور خدا به عارض یوسف دید آن چشمِ دل که بود زلیخا را
وامق شناخت قدرت حق ور نه چشم از عذار بستی عذرا را
(همان:۲)

یا ذکر نام مکانهای گوناگون در شعر سلطانی از بسامد بلایی برخوردار است:

ز چهر تو شرم ای بهار حصاری بت خلّخی ترک کالنجری را
(همان:۶)

شود ورد یأجوج اگر نام پاکش ز جا برکند سدّ اسکندری را

➢ کاربرد (الف) اطلاق: در قصیده‌ای در مدح امام زمان(عج) الف اطلاق را به کلمهٔ ردیف که فعل است چسبانیده:

آن پری را آهن هندی ز دیبا خیزدا آهن از دیبا اگر خیزد چه زیبا خیزدا
(همان: ۱۹)

یا قصیدهٔ دیگری با ردیف «کندا»:

مگر بهار هوای سکندری کندا کز آب در شمر آیینه‌پروری کُندا
(همان: ۱۰)

در مدح نواب والا محمدمحسن میرزا متخلص به سلطانی (الف) اطلاق را به آخر اسامی قافیه چسبانیده:

به تاراج غم کردی بهشتی رخ منا که آمد سپاه دی به تاراج گلشنا
دم ماه سرد دی مزاج جهان فسرد سپس هم بیفسرد سپندارمذ بهمنا
(همان: ۳۳)

آوردن ضمیر (ش) فاعلی برای سوم شخص مفرد؛ مانند نوبهارش، کامکارش، اقتدارش، روزگارش، در ادامهٔ قصیدهٔ زیر با مطلع:

دولت به عهد خسرو بالا گرفت کارش شد سلطنت ز سلطان فرخنده روزگارش
(همان: ۳۶۸)

کاربرد واژه‌های نزدیک به زبان پهلوی مثل: «ایدون»، «ایدر»، «اندر»، «نژند» «برگستوان»مانند:

نوبهار ایدون بچاه اندر نهان چون بیژن است تاخزان باصولت افراسیاب آمد پدید
(همان: ۱۷۷)

شش مه تمام رفت کم ایدر بود مقام با حالتی ز غصه نژند و دلی فگار
(همان: ۲۸۹)

در قصیدهٔ زیر از «اندر» به عنوان ردیف استفاده نموده است:

لاله ندیدستی ار به عنبرش اندر لاله نهان بین به عنبر ترش اندر
(همان: ۳۲۴)

چو در بر شاه مشرق آسمان بست به توسن ماه نو، برگستوان بست
(همان: ۱۳۹)

او با تسلطی شگفت‌انگیز، وزن، قافیه، ردیف و ساختارهای نحوی شاعران متقدم را به کار گرفته است. از سادگی و روانی زبان فرخی و انوری تا دشواری و تعقید زبان خاقانی و ادیب صابر، همگی در دیوان او دیده می‌شود. حفظ ردیف‌های دشواری مانند «خواهم فشاند»، «آمد پدید» و «جهدها» در قصاید بلند، گواه توانایی زبانی اوست(ر.ک. به میرزایی و دیگران، ۱۴۰۵: ۲۱). در ادامه نمونه‌هایی از التزامات و نوع ردیف و قافیه در شعر سلطانی آورده شده است.

ویژگیهای ادبی:

تأمل شاعران بازگشت در آثار قدما این معنا را پذیرفت که شاعران بازگشت، پیشگامان سبک‌شناسی در ایران هستند و سبک‌شناسی در ایران، بی‌آنکه نامی داشته باشد، از این دوره و با تلاش این شاعران آغاز شده است؛ زیرا که این شاعران میبایست در کار تقلید صحیح در تمام جوانب، اعم از مختصات زبانی، فکری و ادبی آثار قدما تأمل کنند، آنها را بیاموزند و به شاگردان خویش بیاموزانند، چنانکه بهار پس از تأسیس دانشگاه تهران، تجربه‌های خود را در درس سبک‌شناسی به دانشجویان خود منتقل کرد (شمیسا، ۱۳۷۴: ۳۲۰-۳۲۱).

گرچه در سبک خراسانی بسامد صنایع ادبی بالا نیست (شمیسا، ۱۳۸۶: ۸۹) اما در دیوان سلطانی باتوجه به تتبعی که در آثار بیشتر شعرای سوم و چهارم تا قرن آغاز قرن ششم داشته میتوان کاربرد صنایع ادبی را برای خلق مدایع فاخرانه کمابیش مفصلتر از سبک خراسانی دید.

مهمترین ویژگیهای ادبی سبک خراسانی:

- قالبهای مطرح شعر، بیشتر قصیده و قطعه است (همان:۹۰) قصیده که یک شکل عربی است، قالب ادبی مسلّط بر این روزگار است. بی‌گمان شعر فارسی پیش از اسلام از شکلی به نام قصیده برخوردار نبوده است، زیرا قافیه‌های پی‌درپی که خصوصیت اصلی ساختمان قصیده است در آن وجود ندارد (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۷۸: ۳۷۹-۳۸۰) بدیع و بیان به صورت طبیعی و معتدل به کار میروند و هرچه زمان میگذرد متشخصتر میشوند، بی‌پیرایگی یعنی خالی بودن از

صنایع بدیعی همراه با سادگی لغات و روانی ترکیبها مهمترین مشخصهٔ شعری این دوره است، به طوریکه میتوان به سبک شعر خراسانی، سبک ساده گفت.

- استفاده از موازنه در شعر.
- قافیه و ردیف ساده.
- توصیفهای قوی: تشبیهات این دوره اغلب حسی است و فاقد پیچیدگی.
- تشبیهات مرکب حسی زیاد.
- استعاره تا حدودی مرسوم است. استفاده از بحرهایی از عروض که امروز مرسوم نیست(شمیسا،۱۳۷۹: ۶۹ ـ ۷۶).

هنگامی که از منظر ادبی به محتوای دیوان خطیِ حسینقلی‌خان کلهر(سلطانی)، نگریسته شود از سه بخش قالب، موسیقی و صور خیال و بدیع به اختصار میتوان موارد زیر را بازگشایی نمود:

قالب همانطور که گفته شد نسخهٔ قابل بحث به شمارهٔ ۴۸۶۲، آستان قدرس رضوی که قبلاً حافظت شده در کتابخانهٔ ملک محافظت میشده، مشتمل بر دیوان قصاید(۱۸۳ مورد) و ترکیب‌بندها(۱۰ مورد) و مسمطات (۷ مورد) سلطانی است. بنابراین قالب غالب قصیده و از بین قصاید مدح و منقبت بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده.

از جنبهٔ موسیقی طبق تقسیم‌بندی دکتر شفیعی‌کدکنی با نگاهی اجمالی به ۱. موسیقی بیرونی، ۲. موسیقی کناری، ۳. موسیقی درونی، ۴. موسیقی معنوی(شفیعی‌کدکنی، ۱۳۷۰: ۳۹۱ـ ۳۹۳). میتوان گفت در بخش موسیقی بیرونی به مفهوم اوزان عروضی، سلطانی بیشتر از بحور و اوزان پرکاربرد مانند: رمل، هزج، متقارب و برخی اوزان و بحور مختلف‌الارکان مانند مجتث، مضارع و منسرح، بهره‌گرفته است، اما گاه اوزان ناشناخته و بدیع نیز به کار برده که نمیتوان در بحور و اوزان پرکاربرد ادب فارسی نمونهٔ دیگری شبیه آن یافت برای مثال قصیدهٔ اول با مطلع:

بگشا نظر بدایع اشیار را: مفعول فاعلات مفاعیلن که اگر رکن دوم آن مفاعیلن یا مفاعلن میبود، میشد آن را بحر هزج مسدس اخرب مقبوض دانست اما با این ویژگی که در دومین رکن زحاف(فاعلاتُ/ مکفوف) از فاعلاتن را داراست نمیتوان این وزن را در زیر مجموعهٔ هزج یافت. بدیع بودن وزن این قصیده از این جاست که ترکیبی از ارکان دو بحر متفاوت است. شاید نام جدیدی هم بتوان بر وزن قصیدهٔ نخستین نهاد مانند: بحر هزج مسدس اخرب مکفوف.

شواهد شعری زیر نمونه‌هایی از بحور و اوزان کاربردی در شعر سلطانی است:

- ✓ بدین‌سان که آموختی دلبری را(همان: ۴): فعولن فعولن فعولن فعولن(بحر متقارب سالم مثمن).
- ✓ چون ختم رُسُل پیمبران را(همان: ۷): مفعول مفاعلن فعولن(بحر هزج مسدس اخرب مقبوض محذوف).
- ✓ مگر بهار هوای سکندری کندا(همان:۱۰): مفاعلن فعلاتن مفاعلن فَعَلُن(بحر مجتث مثمن مخبون محذوف / مقصور).
- ✓ بی‌رخ و زلف یار نالم زار(همان: ۱۳): فاعلاتن مفاعلن فعلن (بحر خفیف مسدس مخبون اصلم).
- ✓ آن پری را آهن هندی ز دیبا خیزدا(همان ۱۹): فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (بحر رمل مثمن محذوف).

در بررسی موسیقی کناری، باید گفت موسیقی کناری مجموعه عواملی است که در نظام موسیقایی شعر مؤثر هستند. سلطانی انواع قافیه را در تجربهٔ شعری خود به ثبت رسانیده. یعنی قوافی و ردیف‌های دشوار و آسان را

آزموده و در این خصوص بیشتر پیرو سبک ناصرخسرو است. چنانکه در این قصیده با مطلع و مقطع زیر هم قافیه و هم ردیف را به استقبال از قصیدهٔ معروف ناصرخسرو تنظیم نموده‌است:

بدین‌سان که آموختی دلبری را ز کف دلربائی به خوبی پری را....
...بدین طرز اگر گفتهٔ ناصر آمد جواب این بُوَد گفتهٔ ناصری را
که از مطلعش مصرع اول این است «نکوهش مکن چرخ نیلوفری را»
(سلطانی: قصیدهٔ ۲)

میتوان گفت بیشتراز آن که انتخاب قوافی و گونه‌گونی آن حاکی از میزان تسلّط شاعر بر علم قافیه باشد، به‌کاربردن ردیف‌های دشوار از ویژگی‌های موسیقی کناری در ادبی سلطانی‌است. مانند التزام در به کاربردن ردیف‌های«خیزدا»، «کندا»، «آفتاب»، «آب»، «دست»، «یاقوت»، «گرفت»، «آمداست»، «آفرینش» یا در قصیدهٔ لامیهٔ «یزدان ز زلف و خالت زیب جمال داد»(سلطانی:۱۰۲)، حرف قافیهٔ «لام» را با ردیف«داد» آورده است و نیز ردیف «نمیشد» در قصیدهٔ: «با روی تو گر زلف چنبر نمیشد»(همان:۱۰۵)؛ و ردیف «پدید آمد» در قصیدهٔ: «طبع گیتی را دگربار انقلاب آمد پدید» (همان: ۱۷۷ ـ ۱۷۹)؛ ردیف: «دیده‌ام» در قصیدهٔ: «دلفریبی لعبتی شوخی پریرو دیده‌ام»(همان: ۱۵۱) و حرف‌الکاف در قصیده‌ای در مدح حسام‌السلطنه: «بافرهی آمد به دار مُلک/ فرخنده خداوندگار ملک»(همان: ۳۷۸) و یا در قصایدی به تبع حرف قافیهٔ پرتکرار در قصاید ناصرخسرو از ضمیر «ش» استفاده کرده مانند: هنروری که بباید به کام دل ظفرش(همان:۱۴۱). شاهد از ناصرخسرو:

نگذاشت خواهد ایدرش بر رغم او صورتگرش

جز خاک هرگز کی خورد آن را که خاک آمد خورش
(ناصرخسرو، ۱۳۶۸: ۲۳۸)

التزام ردیف «آتش و آب» در قصیده‌ای در مدح ناصرالدین‌شاه با مطلع:

مرا نبود ازین پیش باور آتش و آب ز آه و اشک من آراست داور آتش و آب
گر اشگ و آه نبودی مرا کجا بودی مقام ماهی و جای سمندر آتش و آب
(سلطانی: ۸۵)

ـ موسیقی درونی و معنوی:

شامل آرایه‌های لفظی و معنوی، به عبارتی این موسیقی نتیجهٔ تنوع و تکرار صامت‌ها و مصوت‌ها (بدیع لفظی: سجع و موازنه، جناس، تکرار) در متن است که در اشعار سلطانی به نسبت بدیع معنوی از میزان توجه کمتری برخوردار بوده است. به عبارت دیگر شاعر علاقهٔ زیادی به لفاظی و بازی‌های شاعرانه نداشته، در مقابل موسیقی معنوی که شامل انواع تضاد، تشابه، تقارن در کلیّت متن شعر که در نوع خود باعث ایجاد انواع تناسب و مراعات نظیر و موسیقی معنوی کلام می‌گردد. گرچه در سبک خراسانی گرایش به آرایه‌های معنوی بسیار کمتر از دوره‌های بعد است(رک. به شمیسا، ۱۳۷۵: ۶۹)؛ اما در شعر سلطانی گرایش به کاربرد آرایه‌های معنوی بیشتر دیده میشود. در زیر برای نمونه شواهدی از آرایه‌های لفظی و معنوی در شعر سلطانی آورده شده است:

تکرار برای تأکید: تکرار عبارت «او بود پیش از آنکه...» در هفت بیت، هنگام وصف حضرت رسول(ص):

او بود پیش از آنکه بود الفت　　با امّهات اربعه آبا را
او بود پیش ازانکه برافرازد　　صنع حق این سرادق دیبا را
او بود پیش ازانکه صفی‌الله　　داند رموز، علّم الاسما را
او بود پیش ازانکه برانگیزد　　نوح از نوای لاتَذر آوا را
او بود پیش ازانکه شکافد حق　　در حمل ناقه صخرهٔ صمّا را
او بود پیش ازانکه کلیم‌الله　　بیند فروغ سینهٔ سینا را
او بود پیش ازانکه بود منزل　　در چارمین سپهر مسیحا را
(همان: ۲ـ ۳)

تکرار خوبرو و خوبان در یک معنی اشتقاقی، آرایهٔ تصدیر:

همه خوبرویند اگر چند خوبان　　ز خوبان تو شایسته برتری را
(همان: ۶)

تکرار سامری و آرایهٔ تصدیر:

به سحر اندر ار سامری بود ماهر　　زند سحرِ چشم تو، ره سامری را
(همان: ۷)

ـ ضمن تضاد بین «اشرار» و «ابرار» و نیز بین «شرار سقر» و «شربت کوثر»؛ بین «اَشرار و شرار» جناس شبه اشتقاق دیده میشود:

مکافات اشرار و ابرار کرد او　　شرار سقر، شربت کوثری را
(همان: ۸)

تضاد: پشه و عنقا در تضاد با هم به کار رفته:

خوان نوال اوست کران نعمت　　قسمت رسیده پشّهٔ و عنقا را
(همان:۵)

تلمیح و اقتباس یا تضمین: تلمیح به داستان آدم(ص) و تضمین / اقتباس از آیهٔ «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا»(بقره/۳۲):
بیت دوم تلمیح به داستان نوح و اقتباس از آیهٔ «وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا» (نوح/ ۲۶) یعنی: و نوح گفت: پروردگارا! هیچ یک از کافران را بر روی زمین باقی مگذار.
در شواهد زیر تلمیحات را مشاهده میکنید:

او بود پیش ازانکه صفی‌الله　　داند رموز، علّم الاسما را
او بود پیش ازانکه برانگیزد　　نوح از نوای لاتَذر آوا را
(همان:۳)

تلمیح به قصص پیامبران، داستان موسی(ع) و میقات و بیت دوم تلمیح به داستان عروج عیسی(ع) به آسمان چهارم:

او بود پیش ازانکه کلیم‌الله بیند فروغ سینهٔ سینا را
او بود پیش ازانکه بود منزل در چارمین سپهر مسیحا را
(همان: ۳)

ضمن آرایهٔ تناسب بین خلیل، بت، آزر؛ بین آزر و آزری جناس اشتقاق، وجود دارد و پور آزر: بدل از خلیل(ابراهیم علیه‌السلام):

خلیل منا قدر خوبان شکستی چنان پور آزر بت آزری را
(همان: ۵)

در مدح امیرالمؤمنین(ع)، کاربرد «قصر و قیصر» جناس شبه اشتقاق را تشکیل داده:

چون من به سخن ترا سرایم ای قصر تو کعبه قیصران را
(همان: ۷)

شاید گزافه نباشد اگر بگوییم تلمیح بالاترین بسامد را در بین آرایه‌های بدیع معنوی به خود اختصاص داده‌است:

نزول سلوت مهرت بدل بیاد آرد حدیث امّت موسی و منّ و سلوی را

باستان‌گرایی یا آرکی‌تایپ: شعر فارسی پر از تلمیح است و بسیاری از تلمیحات، اساطیری هستند. بحث اسطوره در آثار ادبی با آرکی‌تایپ و تمثیل و سمبل و استعاره، نزدیک و درآمیخته است(شمیسا،۱۳۸۳: ۶۷).

آرکی‌تایپ را باید در الگوهای قدیمی اساطیری و مناسک که در افسانه‌ها، آیین‌ها و رسوم اقوام مختلف به چشم میخورد ردیابی کرد(همان، ۱۳۷۹: ۷۸) به نظر یونگ منظور از آرکی‌تایپ افکار غریزی و تمایل به رفتارها و پندارهایی است که بر طبق الگوهای از پیش مشخصی، به صورت فطری و ذاتی در نوع انسان وجود دارد. یعنی اشکال و صُوَرِ متکرّری که از تجربیات زندگانی پدرانِ باستانی ما به ناخودآگاه عمومی بشر رسیده و در اساطیر، مذاهب، رؤیاها، تخیلات و آثار ادبی جلوه‌گر میشود(همان:۷۹).

ذکر نام قهرمانان اساطیری، حماسی و تاریخی، محتوای قصیده را که بیشتر در مدح شخصیتهای خاصی سروده شده‌است با حماسه و تاریخ پیوند میدهد و حس افتخار و مباهات به شکوه دیرین ایران زمین را با افکار مذهبی خویش میآمیزد و این کهن الگوی شکوه در گرایش به باورهای مذهبی رنگ میبازد؛ گرچه به ظاهر رنگ باخته اما در پس‌زمینهٔ ناخودآگاه شاعر چونان معیار سنجشی جایگاه پیدا کرده که بقعهٔ نوهٔ پیامبر را در شکوه با بقعهٔ بهرام و طاق کسری میسنجد. در مدح امام حسن(ع) میگوید:

من و ثنای بقیعت چو باستان نکنم حدیث بقعهٔ بهرام و طاق کسری را
(سلطانی: ۱۸)

تلمیح به داستان عدل نوشروانی و حدیث آن در مقابل عدل ممدوح در شاهد زیر:

ار از عدالت گوئی حدیث نوشروان به طاق نسیان در پیش عدل او بگذار
(همان:۲۹۰)

در قصیده‌ای در مدح ناصرالدین‌شاه قاجار با مطلع «فراز آمد گه بدرود کردن وصل جانان را»، نام رجال و شخصیت‌های بنام ایران را از پادشاهان پیشدادی و کیانی، سلسله‌های ساسانیان و سامانیان گرفته تا غزنویان و سلجوقیان و سایر پادشاهان گذشته در این قصیده آورده، این مورد در سایر قصاید او نیز به وفور دیده میشد به

طوری که میتوان گفت این شیوه تبدیل به یکی از شاخصه‌ها و ویژگی سبکی سلطانی شده‌است. نمونهٔ زیر از قصیدهٔ مذکور است:

شنیدم تیره شد روشن‌جهان در چشم روئین‌تن چو تیر گز بجست از شست مرد زابلستان را
(همان:۲۴)

شه داشت بسی و لیک زیور بود از فرّ فراسیاب توران را
بسیار مبارز آمد اما کس هم زرم نگشت پور دستان را
(همان: ۲۲)

در بیشتر موارد آوردن اسامی رجال ادبی و تاریخی در دیوان سلطانی بیشتر کاربرد مفاخره دارد برای نمونه در قصیده‌ای در مدح رضا قلیخان هدایت هیچ بیتی نیست که ممدوح را با شخصیتی علمی ـ ادبی مقایسه نکرده باشد:

الهام خدا سزد سخندان را تا مدح کند رضا قلیخان را
خواهد قلمی نگارش مدحش را هم رتبه عصای پور عمرآن را
گر پیش ز رودکی برآمد نام اندر دو سه بیتی آل سامان را
در مدحت عنصری شد ار پیدا شهرت محمود زاولستان را...
کس نامده در سخن چنو هر چند شهرت به سخنوری فراوان را
شه داشت بسی و لیک زیور بود از فرّ فراسیاب توران را
بسیار مبارز آمد اما کس هم زرم نگشت پور دستان را...
(همان: ۵۲ـ ۵۳)

ابیاتی که شاهد بر علاقهٔ شاعر به سبک خراسانی و شعرای این دوره است:

سرودی سپهرش درود ار به دیوان بدین‌سان سخن ثبت بود انوری را
شدی پاک عنصر ز نور سعادت به دفتر چنین نظم اگر عنصری را
(همان: ۶)

تضمین:

بدین طرز اگر گفتهٔ ناصر آمد جواب این بُوَد گفتهٔ ناصری را
که از مطلعش مصرع اول این است «نکوهش مکن چرخ نیلوفری را»
(همان: ۶)

مصراع آخر تضمین قصیدهٔ معروف ناصر خسرو با ذکر نام شاعر در بیت قبل است.

نکوهش مکن چرخ نیلوفری را برون کن ز سر باد خیره‌سری را
(ناصر خسرو، ۱۳۶۸: ۱۴۲)

در قصیدهٔ زیر با ردیف «آفتاب» که به تقلید از ادیب صابر در مدح امام حسن عسکری سروده، مضمونِ بیتی از وی را با ذکر نام شاعر(ادیب صابر) اینگونه میآورد:

در مدیحش پرورد زیب و ردیف و قافیه از ادیب صابر ار تضمین کنم این آفتاب
(همان: ۷۳)

سرو سیمینی و بار سرو سیمین آفتاب جفت لاله ماه داری جفت نسرین آفتاب
(ادیب صابر، ۱۳۷۸: ۸۵)

روز گردد شب همی بر خاطر مداح تو است گویی هست در مدح تو تضمین آفتاب

آرایهٔ جمع و تقسیم: آن است که در ابتدا چند چیز را در یک صفت جمع و بعد آنها را تقسیم کنند(همایی، ۱۳۶۸: ۲۸۵). سلطانی ضمن اینکه در ساسر دیوان برای بازی‌های ادبی و شاعرانه از بیشتر صنایع بدیعی بهره‌برده در این میان از صنعت جمع و تقسیم در یک قصیدهٔ کامل در مدح او به پیروی از سبک فرخی سیستانی اشاره میشود با مطلع و عنوان زیر:

وله ایضاً در مدح او گوید به طرز فرّخی در صنعت جمع و تقسیم:

به هامون کشید رخت به گلشن گشاد بار یکی ابر فرودین یکی باد نوبهار
ز شکل شگرف دشت ز نقش بدیع باغ یکی شرم غانفر یکی رشک قندهار
هوا از نسیم یان زمین از شمیم مُشک یکی غارت خُتن یکی غیرت تتار...
(همان: ۳۲۶)

نوآوریها و تقلیدهای سلطانی از دیگر شاعران

با تأملی در شیوهٔ قصیده‌سرایی سلطانی شاید بتوان گفت که تکرارِ موفقِ یک ردیفِ دشوار در یک قصیدهٔ بلند و ساختن تصاویر متنوع بر آن، از نوآوری‌ها و تکنیک‌های خاص سلطانی است(رک به میرزایی و دیگران، ۱۴۰۵: صص ۲۱ـ ۱). وی در تقلید، پیروی و اقتفا به شعر شاعران گذشته تا آن میزان زیاده‌روی کرده که این تقلید تبدیل شده به شاخصهٔ سبکی و به نوعی نوآوری در تقلید، چرا که شاعر سعی نموده در هر اقتفا و تقلیدی که انجام داده اگر نمونهٔ پیچیده‌تری از منظر قافیه‌پردازی نیاورده باشد، حداقل کمتر از آن هم نباشد. «سلطانی خود به روشنی به رویکرد«اقتفا» اذعان داشته و آن را نه نقطه ضعف بلکه مایهٔ فخر و مباهات خویش می‌داند»(رک. به همان: ۴)، وی یکی از آن دسته شاعران دورهٔ قاجار است که به حق او را باید شاعر سبک بازگشت دانست چون اگر دیگر شاعران، تنها به سبک قدما علاقه‌مند بوده‌اند وی اصرار بر این داشته که نام شعرا را در حین اقتفا و استقبال یکبار و حتی چندین بار ذکر کند که این ذکر نام با توجه به این که قدیم رسانه‌های گروهی آنچنان پیشرفت نکرده بودند، ضمن نوآوری، در نوع خود، کاری در راستای معرفی، قدرشناسی، شکوه‌بخشی به ادبای گذشته، احیای میراث گذشتگان در شعر و رعایت اصل امانتداری بوده. مثلاً «او خود را نه تنها دنباله‌رو، بلکه جانشین شایسته‌ای برای شاعران بزرگ پیشین، به ویژه امیرمعزّی، ناصر خسرو، انوری، نظامی، خاقانی، ادیب صابر، سید حسن غزنوی، می‌داند. او در به‌کارگیری صورخیال و صنایع بدیعی، به درستی از الگوهای شاعران پیشین پیروی کرده است و نه‌تنها صورت، بلکه معنای شعر شاعران پیشین را نیز دریافته است. نگاه حکیمانه ناصرخسرو را به خدمت مدح نبوی می‌گیرد، عرفان سنایی را با تشیع خود درمی‌آمیزد، نقد اجتماعی حافظ را، در مدح اهل‌بیت بازتاب می‌دهد و حماسه‌سرایی عنصری را برای برتری دادن شاه قاجار بر شاهان پیشین به کار می‌گیرد»(رک به میرزایی و دیگران، ۱۴۰۵ ۲۱). با نگاهی به شواهدی مختصر در مقالهٔ «تقلیدهای سلطانی کرمانشاهی از شاعران متقدم» به این نکته واقف می‌گردیم که سلطانی در دواوین شعرای گذشته بسیار مطالعه و تفحص داشته و او را باید نه یک مقلد صرف، بلکه چهره‌ای

تأثیرگذار در تثبیت و استمرار سنت قصیده‌پردازی در دورهٔ قاجار دانست. کار او یک «تمرین استادانه» و «ورود آگاهانه به حلقه سنت» است که با حفظ اصالت‌های ادبی، توانسته پلی میان گذشته درخشان شعر فارسی و نیازهای ادبی عصر خود ایجاد کند. او با این رویکرد، نه‌تنها میراث‌دار، بلکه بازآفرین خلاق سنت ادبی ایران بوده است»(ر.ک. همان: صص ۱-۲۱). نسخهٔ خطی در دسترس نگارنده بخش قصاید، مسمطات و ترجیعات و ترکیبات شاعر است که از این میان تعداد قصاید به مراتب بیشتر از سایر قالب‌هاست؛ با این حال شاعر کوشیده نه تنها در محتوای مسمطات بلکه در تعداد بندهای تسمیط نیز راه منوچهری، قاآنی و سایرین را برود برای نمونه بیشترین تعداد بندهای مسمط در دیوان منوچهری دامغانی، مسمط دهم و یازدهم وی است که هر کدام بیش از سی بند دارد(منوچهری، ۱۳۵۶: ۱۹۷ـ ۲۰۷). در حالی که سلطانی در برخی مسمطات خویش سی و شش بند بیشتر سروده، مسمطهای او بیشتر وصف طبیعت و مدح رجال دینی، سیاسی و ادبی همعصر شاعر را شامل میشود.

نمونه مسمط با موضوع وصف طبیعت و مدح ادیب‌الملک عبدالعلی خان از سلطانی:

فراشت خیمه شاه دی به طرف مرغزارها　　ز طرف مرغزارها سترده شد نگارها

نه شاهدان باغ را به دستها سوارها　　نه لعبتان راغ را به پنجه‌ها نگارها

نه جلوه‌ها ز نوگلان فراز شاخسارها
نه نعره‌ها ز بلبلان نه ناله از هزارها

(سلطانی، مسمط: ۶۱)

نمونه از منوچهری:

آمد بهار خرّم و آورد خرّمی　　وز فرّ نوبهار شد آراسته زمی

خرّم بود همیشه بدین فصل آدمی　　با بانگ زیر و بم بود و قحفِ دِرغمی

زیرا که نیست از گل و از یاسمن کمی
تا کم شده‌ست آفت سرما ز گلستان

(منوچهری، ۱۳۵۶: ۲۰۷، قصیدهٔ ۱۱)

نمونه از قاآنی:

بنفشه رسته از زمین به طرف جویبارها　　و یا گسسته حور عین ز زلف خویش تارها

ز سنگ اگر ندیده‌ای چسان جهد شرارها　　به برگ‌های لاله بین میان لاله‌زارها

که چون شراره می‌جهد ز شنگ کوهسارها

(دیوان قاآنی، ۱۴۰۰: مسمط ۱ بند ۱)

با تأمل در اشعار سلطانی و مقایسهٔ آن با شعر شعرای گذشته و همعصر متوجه این نکته میشویم که شاعر علاقهٔ وافری به شعر شعرای گذشته به ویژه شعر شعرای خراسانی، آذربایجانی و به ندرت شعرای سبک عراقی مانند حافظ و سعدی داشته‌است.

شواهدی از تخیل در زمینهٔ تشبیه و استعاره(زیر مجموعهٔ سطح ادبی):

شاعر با اشیا و طبیعت برخورد مستقیم دارد و تشبیهات اغلب محسوس به محسوس است. شاهد برای تشبیه محسوس به محسوس، رهزنی صفتی برای چشم و دشمن صفتی برای مژگان:

آیا یاری که عاشقرا دلارامی و جانانی به چشمان رهزن هوشی، به مژگان دشمن جانی
(همان: ۳۴۵)

تشبیه تفضیل در تشبیه معشوق به سرو و ماه:

تو با این قامت و طلعت بسر و ماه کی مانی که هم رخشانتر از اینی و هم رعناتر از آنی
(همان: ۳۴۵)

طبع ژرف به دجله تشبیه شده است:

بر دجلهٔ ژرف‌طبع من بین تا بینی بحر بیکران را
(همان:۷)

یا ترکیب «زال جهان»، اضافهٔ تشبیهی:

فرتوت گشته زال جهان را جهان خدیو فر شباب داد زبخت جوان خویش
(همان:۳۶۷)

کاربرد استعاره در سنجش با دورهٔ اول سبک خراسانی بیشتر است و اشاره به معارف اسلامی رو به افزایش نهاده‌است(انوشه، ۱۳۷۶: ۷۹۳). البته در شعر سلطانی بیان معارف در حد معرفت قصص و روایات در مدح حضرت رسول(ص)، منقبت اهل بیت و ائمه است که این معارف را برای تهیه و تنظیم اشعار مدحی به کار میگیرد نه به عنوان معارفی حکمت‌آموز از دین اسلام مثلاً بارها از نسبت اهل بیت و پاکی آنها سخن به میان میآورد اما از اخلاق و فرایض دینی که آنها سرمشق خویش کرده‌اند چیزی نمیگوید زیرا هدف شاعر فی‌نفسه بیشتر شعر مدحی است. باتوجه به اینکه گرایش سلطانی بیشتر به شعرای دورهٔ دوم سبک خراسانی مانند ناصرخسرو، فرخی، منوچهری، امیرمعزی، ادیب صابر و سپس تقلید از شعرای سبک آذربایجانی به ویژه خاقانی و مجیر بیلقانی است در اشعار او تا حدودی استعاره و در جوار آن صنعت تشخیص بیشتر است:

رخ بسکه فلک به درگهت سود هم‌صورت شد مجدّران را
(سلطانی: قصیدهٔ ۳، ۳)

«رخ صبح» استعارهٔ مکنیه از منظرهٔ آسمان هنگام صبح:

نقاب رخ صبح کافوری آرد شب تار ازو طُرّهٔ عنبری را
(همان: قصیدهٔ ۲، ۶)

معارف و باورهایی که در مورد تأثیر اختران بر ساکنان زمین است در صنعت تشخیص و شاهد زیر در مورد بهرام و برجیس مطلب را بیشتر روشن میسازد.

بهرام شد نقیب تو بر بست ازان حسام برجیس شد خطیب تو زان طاسیان گرفت
با مهر ورزی تو به مردم ز کف نهاد خوی بدی که اختر نامهربان گرفت

(همان، نسخه ۴۳۶۲: ۱۴۳)

ویژگیهای فکری:

مهمترین ویژگیهای فکری سبک خراسانی عبارتست از: موضوعات شعر این دوره مدح و وصف و حکمت و عشق است؛ کلام فخیم و استوار و تا اندازه‌ای پخته میشود. قصیده‌ها اغلب با تغزل آغاز میشوند و معشوق ترک در تصویرها و مضمون‌ها پیدا میشود (همان: ۷۹۳) و تأکید بر مضامین متعارف ِزمینی. مضامین شعر خراسانی عبارتنداز: مدح، هجو و هزل (به پیروی از شاعران عرب) توصیف و مرثیه؛ سخن عاشقانه (تغزل موجود در قصیده) (محجوب،۱۳۴۵: ۷۲ـ ۹۸) در شعر سلطانی خبری از هزل و هجو نیست و وصف معشوق زمینی نیز به نسبت مدح ممدوحان از اهمیت کمتری برخوردار است. اما وصف ممدوح(دینی و درباری) و مرثیه (دینی و درباری) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

مدیحه و شرح فتوحات پادشاهان، حماسه‌گرایی (شمیسا،۱۳۷۹: ۶۹ ـ۷۰) که در شعر سلطانی این بخش چندان پررنگ نیست و هدف وصف جنبه‌های دیگر ممدوح است.

طبیعت‌گرایی: شعر فارسی را در فاصلهٔ سه قرن نخستین، یعنی تا پایان قرن پنجم هجری باید شعر طبیعت خواند، این شعر، از نظر توجه به طبیعت سرشارترین دورهٔ شعر در ادب فارسی است(شفیعی‌کدکنی،۱۳۷۸: ۳۱۷).

واقع‌گرایی: مضمون بیشتر اشعار این سبک، وصف طبیعت(نوعی ناتورالیسم)، واقعگرایی، اعتقاد به تساهل و شادباشی است (همان: ۷۰). طبیعت و وصف جلوه‌های آن در شعر سلطانی، بیشتر در خدمت بیان اهداف و معانی مدح ممدوحان است و اثری از وصف او صرافاً برای وصف و لذت از طبیعت نمیبینی.

خردستایی: توجه به پند و اندرز و حکمت(محجوب، ۱۳۴۵: ۸۲ ـ ۹۷). شاعری همچون فردوسی شاهنامهٔ خویش را بر محور خرد بنیاد میگذارد، برونگرایی: آثار قرون سوم تا پنجم هجری از نظر فکری غالباً با بیرون پدیده‌ها و سطح اشیا و امور سروکار دارند و وارد عوامل درونی و باطنی نمیشوند. به عبارتی دیگر، دید آنان آفاقی و عینی است تا انفسی و ذهنی (شمیسا، ۱۳۸۶: ۸۹) سلطانی در قالب تمجید از علما، شعرا و ادبا به طور غیر مستقیم به اهمیت دانایی و خرد پرداخته است.

تجمل‌گرایی: خصوصیت اشرافی‌بودن شعر فارسی در آثار شعری این دوره شاید بیش از دوره‌های دیگر قابل ملاحظه باشد به خصوص که نشانه‌های بسیاری از طرز فکر اشرافی را در شعر دوره‌های بعد نیز باید از میراث شاعران این عصر به شمار آورد(شفیعی‌کدکنی، ۱۳۷۸: ۲۹۰ـ ۲۸۸). در شعر سلطانی نمودهایی از ویژگیهای فکری سبک خراسانی همراه با نگرش مذهبی و شعر مناسبتی وجود دارد. نباید فراموش کرد که قسمت اعظم شعر سلطانی موضوع مدح است که پیامدهایی چون تجملگرایی، اخلاق درباری، احترام و تمجید جزء لاینفک آن است. همانطور که در ابتدا اشاره شد بیش از ۱۸۳ قصیده، ترکیب‌بند و مسمط در مدح دارد.

مدح در شعر سلطانی به دو بخش عمده تقسیم میشود:

۱. توجه و تمسک به اصطلاحات دینی، مضامین مذهبی و منقبت اهل حدود ۳۱ قصیدهٔ طولانی در این خصوص سروده است.

در مرثیهٔ سیدالشهدا سروده:

ماه محرم آمده و دل‌ها پر از غم است آری غم از نتایج ماه محرم است
(همان: ۱۵۱)

و نیز در بند یازده ترکیب‌بند دیگری آورده:

یارب به حق نالۀ جانکاه اهل بیت یارب به اشک دم به دم و آه اهل بیت...
(همان: ۱۶۱)

دیوان قصاید ترکیبات و مسمطات سلطانی مشحون از مدایح زیر است:

قصاید، ترکیبات و مسمطات در مدح و منقبت	تعداد
در مدح امیرالمؤمنین علی(ع)	۱۲
در مدح حضرت امام حسین سید الشهداء	۵
مدح نبی(ع)	۴
در مدح امام زمان(مهدی(عج))	۴
در مدح امام هشتم امام رضا(ع)	۲
مدح سید النساء	۱
در مدح امام حسن عسکری امام یازدهم	۱
در مدح امام حسن مجتبی	۱
در مدح ائمۀ معصومین (ع)	۱
در مدح امام باقر	۱
در عید مولود نبی	۱

۲. در مدح و ستایش پادشاه، حکام و کارگزارن حکومتی قاجار و سایر رجال علمی و ادبی عصر شاعر:

قصاید، ترکیبات و مسمطات در مدح پادشاه، حکام و رجال قاجار	تعداد
ناصرالدین‌شاه قاجار	۳۳
در مدح حسام‌السلطنه	۲۶
در مدح صدر اعظم اعتمادالدوله میرزا آقاخان نوری	۱۱
در مدح امیرالشعرا میرزا قلیخان هدایت	۱۱
در مدح عمادالدوله	۸
در مدح میرمحمدحسین سلطان‌العلماء اصفهانی	۶
در مدح حشمت‌السلطنه	۵
در مدح صارم‌الدوله خلیفه میرزا	۴
در مدح مجدالدوله امیر اصلان خان	۲
در مدح میرزا کاظم خان نظام الملک	۲
در مدح ضیاءالدین امان‌الله خان والی کردستان	۲

در مدح شمس‌الشعرا محمدعلی‌خان سروش اصفهانی	۱
در مدح فخر العلماء شیخ عبدالصمد الادیب	۱
در مدح حسینقلی‌خان وزیر	۱
در مدح امیر کبیر	۱
در مدح ادیب الملک عبدالعلی‌خان	۱
در مدح میرزا حاجی محمد بیدل شاعر	۱
در مدح معتمدالدوله عباسقلیخان جوانشیری	۱
در مدح نواب والا محمدمحسن میرزای امیر اخوی شهریاری	۱
در مدح یمین‌الدوله ظل‌السلطان	۱
در مدح حاجی میرزا عبدالله خان انصاری	۱

فراوانی تلمیح به مضامین قصص قرآنی و دینی او را شاعری معتقد، متعهد و علاقه‌مند به مباحثی ازین دست معرفی میکند که این از شاخصه‌های فکری سلطانی محسوب میشود.

توجه به مضامین حکمی و عرفانی متشرعانه در شعر سلطانی به نسبت مدح و وصف، کمتر دیده میشود:

اگر طلب ره قرب مدام باید کرد　　به شرع توبه ز شُربِ مدام باید کرد

(سلطانی: ۱۶۹)

به مصرِ تن دل عارف بود چون ماه کنعانی　　هوای نفس از آن کردش زلیخاوار زندانی

(همان:۵۶۵)

پایهٔ فکری سلطانی در شعر مدح است و در مدح گرچه بیشترین شعر را در مدح ناصرالدین‌شاه و کارگزاران قاجار و رجال و شعرای همعصر سروده اما آنچه از محتوای اشعار او میتوان دریافت مدح، ستایش و منقبت پیامبر(ص) و اهل بیت و ائمه به ویژه امام علی(ع)، امام حسین(ع) و امام مهدی(عج) از محورهای اصلی و ستون فکری، ذهن و اندیشهٔ شاعر است. گرچه قصاید او آنچنان که شایستهٔ اوست در میان مردم دست‌به‌دست نگشته و ورد زبان عامه نشده است اما باید گفت، هیجان عشق، حُبّ و علاقه به اهل بیت در اشعار مذهبی او به قدری پررنگ و مکرر است که در القاء معانی و مفاهیم مذهب تشیع به باید او را پیروان شعر فیض کاشانی دانست. سلطانی معتقد است که اگر در شعرش سپاس نبی و ولی نبود، شاعری را ننگ خویش میدانست:

نمود از شرف باروی شهر ملّت　　به مردی قوی بازوی حیدری را
من از مصطفی در تمنّا به طاعت　　ره و رسم سلمانی و بوذری را
من از مرتضی در تولّا به خدمت　　سزا فخر مقدادی و قنبری را
سپاس نبی و ولی گر به شعرم　　نبُد ننگ دانستمی شاعری را

(همان: ۹)

نتیجه‌گیری:

باتوجه به اینکه تاکنون هیچ کار پژوهشی، تصحیح و نقد عالمانه بر روی دیوان قصاید سلطانی صورت نگرفته و دیوان او در چندین نسخهٔ دستنویس تا به امروز دست‌نخورده مانده و شمار ابیات او بالغ بر شانزده هزار بیت است؛ به حقیقت تصحیح، نقد و مقابلهٔ چنین دیوانی چندین سال کار مداوم میطلبد. آنچه از بررسی دیوان حسینقلی‌خان کلهر متخلص به سلطانی از جنبهٔ سبک‌شناسی ادبی میتوان نتیجه گرفت این است که نخست او را باید از شعرای دورهٔ بازگشت در قرن سیزده هجری دانست، از مضامین عشقی و وصف معشوق مؤنث به نسبت وصف ممدوح، خبری نیست، وی شاعری مداح و پیرو سبک شعرایی چون: ناصرخسرو، فرخی، عنصری، منوچهری، انوری، قطران تبریزی، امیرمعزی، مسعود سعد سلمان، کمال‌الدین اسماعیل، ادیب صابر و تا حدودی خاقانی باید دانست، چرا که در دیوان خویش به استقبال شعر بیشتر شعرای مذکور رفته یا حداقل شعری از آنها را تضمین نموده و نام آنها را آشکارا در شعر خویش آورده است؛ که این هم نشان از صداقت، امانتداری، میزان احاطه و تسلط شاعر و دسترسی او به دیوان شعرای پیشین دارد. در بیشتر موارد اعلام میکند که فلان شعر را به طرز فرخی، ناصر خسرو و دیگر شعرا سروده است.

از جنبهٔ ادبی اشعار او در حد اعتدال از آرایه‌ها و صناعات شعری و تخیلات شاعرانه برخوردار است و در بخش ادبی باز او را باید در التزام و اعنات ردیفهای مشکل، پیشرو دانست. اوزان انتخابی از بحور عروضی بعضاً سنگین و طولانی و از لحاظ چینش لغات، صامتها و مصوتها به روانی شعر شعرای طراز اول نیست، استفادهٔ بیش از حد از اسامی رجال و سایر اعلام از شاخصه‌های شعر اوست. شعر سلطانی را چنانکه مرسوم شعرای درباری بوده، باید شعر درباری و اشرافی دانست چرا که همّ و غم شاعر در توصیف تنها جلب توجه و پسند ممدوحان دربار و شعرای درباری است اما در کنار مدح پادشاه و کارگزارن و همعصران، مدح و منقبت پیامبر(ص) و اهل بیت و ائمه از ویژگیهای بازر فکری اوست. شاعر در نهایت «سروری خویش را از مدح آل نبی میداند».

جدای از مسألهٔ سبک ادبی وجود رجال ادبی کُرد و آثار نظم و نثر آنان به زبان فارسی حاکی از وجود یک وحدت ملی و عذوبت زبان و ادب فارسی به عنوان یکی از ستونهای بزرگ هویّت ملی ما ایرانیان است.

نمودار زیر نسبت میزان مدح را در موارد مخلتف در دیوان سلطانی بهتر نشان میدهد:

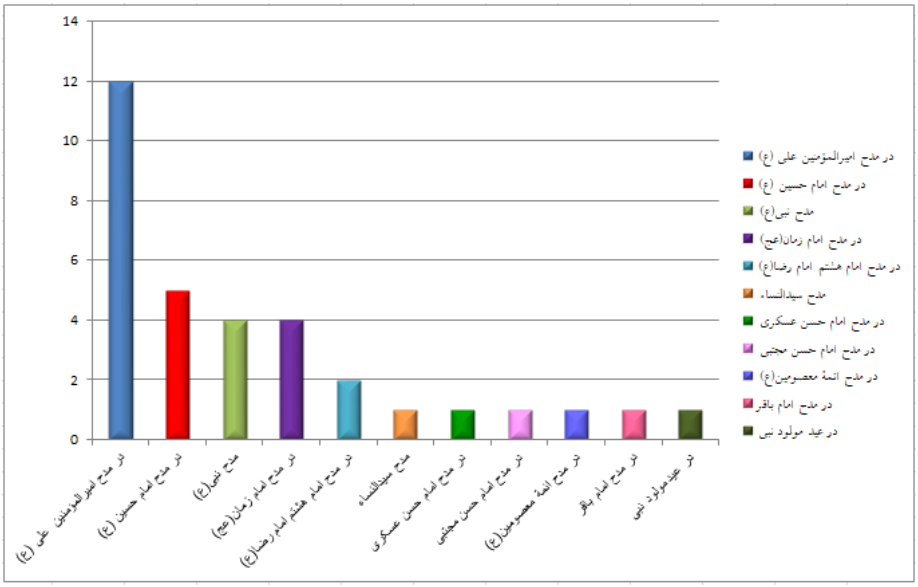

مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایاننامه دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد استخراج شده است. خانم مهری پاکزاد راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. خانم شهلا رستمی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. خانم نسرین چیره نیز با کمک به تجزیه‌وتحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی نقش مشاور اول این پژوهش را ایفا کردند و آقای نادر کریمیان سردشتی با همکاری خویش در تهیهٔ منابع خطی در سمت استاد مشاور دوم بسیار تلاش نموده‌اند. در نهایت محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر چهار پژوهشگر است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان برخود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد و جناب آقای دکتر محمدعلی سلطانی محقق و پژوهشگر تاریخ و ادبیات کرمانشاه و دکتر امید مجد مدیر مسئول مجلهٔ بهار ادب که در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نماید.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این مقاله در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی هر چهار نویسنده است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیهٔ قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلّف و تقلّبی برای تهیهٔ آن، صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهدهٔ نویسنده مسئول است و ایشان مسئولت کلیهٔ موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES:

Arianpour, Yahya (1995), From Nima to Our Time, Volume 3, First Edition, Tehran: Zavar.

Arianpour, Yahya (1976), From Saba to Nima, 2 volumes, Tehran: Pocket Books Joint Stock Company in cooperation with Franklin Publications.

Afshar, Iraj and Mohammad Taghi Daneshpajouh et al. (1992): List of Manuscripts of the National Library of Malek, Volume 3 (Part 1) Persian Books, Tehran: Astan Quds Razavi Publications.

Anousheh, Hassan (1997), Persian Literary Dictionary (Selected Persian Literary Terms, Themes and Topics/ Persian Literary Encyclopedia), Tehran: Printing and Publishing Organization.

Binesh, Taghi (1997), Article on the Method of Correction of Persian Texts, Collection of Articles on the Method of Correction, by the Effort of Mohammad Nazari, Tehran: Central Library and Documentation Center of the University of Tehran.

Jahanbakhsh, Joya (2005), Text Correction Guide, Written Heritage Publishing Institute.

Davoud Dadour (2016), A Brief Review of Persian Poetry Styles, "Islamic Art", Retrieved (2018-09-11).

Divanbeigi Shirazi, Seyyed Ahmad (1985), Hadiqat-ul-Shu'ara, with corrections, additions, and annotations by Dr. Abdolhossein Nava'i, 2-volume series, Tehran: Offset Joint Stock Company (17th of September).

Rezazadeh Shafaq, Sadegh (1941), History of Iranian Literature, Volume 1, Tehran.

Ripka, Jan (1975), History of Iranian Literature (From Ancient Times to the Qajar Period), translated by Isa Shahabi, Tehran: Publishing and Translation Company.

Zarrinkoob Abdolhossein, (1982), Literary Criticism, Volume 2, Third Edition, Tehran: Amir Kabir.

Soltani, Mohammad Ali (1993), On the Heights of Bisotun (Memoirs of Professor Behzad Kermanshahi), with an introduction by Mohammad Reza Shafii Kadkani and Mir Jalal al-Din Kazazi, edited by Rahim Zanganeh and Nasser Golestanfar, Tehran: Moein.

Shakeri, Baqer (1958), Brief Note on the Poets of Kermanshah, Kermanshah: Saadat Press.

Shafii Kadkani, Mohammad Reza (1983), Persian Literature from the Age of Jami to Our Time, translated by Hojjatollah Asil, 2nd Edition, Tehran: Ney.

_____ (1999), Images in Persian Poetry, Tehran: Agah.

Shamisa, Sirous (1995), Prose Stylistics, Tehran: Mitra.

_____ (1995), Poetry Stylistics, Volume 1, Tehran: Mitra.

_____ (1999), Poetry Stylistics, Tehran: Ferdows.

_____ (1999), Literary Types, 9th Edition, Tehran: Ferdows.

_____ (1990), Generalities of Stylistics, Tehran: Ferdows.

_____ (1994), Literary Criticism, 4th Edition, Tehran: Ferdows

Nasser Khosrow, Abu Moein (1989), Divan Nasser Khosrow, edited by Mojtaba Minovi and Mehdi Mohaqeq, 4th Edition, Tehran: Tehran University Press.

Mahjoob, Mohammad Jafar (1966), Khorasani Style in Persian Poetry, Tehran: Teacher Training and Educational Research Organization.

Homaei, Jalaluddin (1989), Rhetoric and Literary Crafts, Tehran: Homa Publishing.

فهرست منابع فارسی

آرین‌پور، یحیی (۱۳۷۴)، از نیما تا روزگار ما، جلد ۳، چاپ اول، تهران: زوار.
آرین‌پور، یحیی(۱۳۵۵)، از صبا تا نیما، ۲ جلد، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی با همکاری انتشارات فرانکلین.
افشار، ایرج و محمدتقی دانش‌پژوه و دیگران(۱۳۷۱): فهرست کتابهای خطی کتابخانهٔ ملی ملک، جلد سوم (بخش اول) کتاب‌های فارسی، تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.
انوشه، حسن(۱۳۷۶)، فرهنگ‌نامه ادبی فارسی (گزیدهٔ اصطلاحات، مضامین و موضوعات ادبی فارسی/ دانش‌نامه ادب فارسی)، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
بینش، تقی (۱۳۸۶)، مقالهٔ روش تصحیح متون فارسی، مجموعه مقالات روش تصحیح، به کوشش محمّد نظری، تهران: کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران.
جهانبخش، جویا (۱۳۸۴)، راهنمای تصحیح متون، مؤسسه نشر میراث مکتوب.
داوود دادور(۱۳۹۵)، مروری کوتاه بر سبک‌های شعر فارسی، «هنر اسلامی»، دریافت‌شده در (۲۰۱۸-۰۹-۱۱).
دیوان‌بیگی شیرازی، سیداحمد (۱۳۶۴)، حدیقهٔالشعرا، با تصحیح و تکمیل و تحشیه: دکتر عبدالحسین نوائی، دورهٔ ۲ جلدی، تهران: شرکت افست سهامی عام(هفده شهریور).
رضازاده شفق، صادق(۱۳۲۰)، تاریخ ادبیات ایران، جلد۱، تهران.
ریپکا، یان(۱۳۵۴)، تاریخ ادبیات ایران (از دوران باستان تا قاجاریه)، مترجم عیسی شهابی، تهران: بنگاه نشر و ترجمه.
زرین‌کوب عبدالحسین، (۱۳۶۱)، نقد ادبی، جلد۲، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
سلطانی، محمدعلی(۱۳۹۳)، بربلندای بیستون(یادنامهٔ استاد بهزاد کرمانشاهی)، با مقدمهٔ محمدرضا شفیعی‌کدکنی و میرجلال‌الدین کزازی، به اهتمام رحیم زنگنه و ناصر گلستان‌فر، تهران: معین.
شاکری، باقر (۱۳۳۷)، تذکرهٔ مختصر شعرای کرمانشاه، کرمانشاه: چاپ سعادت.
شفیعی‌کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۲)، ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما، ترجمهٔ حجت‌الله اصیل، چاپ ۲، تهران: نی.
ـــــــــــــ (۱۳۷۸)، صور خیال در شعر فارسی، تهران: آگاه.
شمیسا، سیروس (۱۳۷۴)، سبک‌شناسی نثر، تهران: میترا.
ـــــــــــــ (۱۳۷۴)، سبک‌شناسی شعر، جلد۱، تهران: میترا.
ـــــــــــــ (۱۳۷۹)، سبک‌شناسی شعر، تهران: فردوس.
ـــــــــــــ (۱۳۷۹)، انواع ادبی، چاپ نهم، تهران: فردوس.
ـــــــــــــ(۱۳۸۹)، کلیات سبک‌شناسی، تهران: فردوس.
ـــــــــــــ (۱۳۸۳)، نقدادبی، چاپ چهارم، تهران: فردوس
قاآنی، میرزا حبیب‌الله(۱۴۰۰) دیوان حکیم قاآنی شیرازی، تهران: سنایی.
ناصرخسرو، ابومعین(۱۳۶۸)، دیوان ناصر خسرو، به تصحیح: مجتبی مینوی و مهدی محقق، چاپ چهارم تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
محجوب، محمدجعفر(۱۳۴۵)، سبک خراسانی در شعر فارسی، تهران: سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی.

منوچهری دامغانی، احمد بن قوص(۱۳۵۶ چ چهارم)، دیوان منوچهری دامغانی، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: زوّار.
همایی، جلال‌الدین(۱۳۶۸)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: نشر هما.

معرفی نویسندگان

شهلا رستمی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران.
(Email: *Shahla.rostami@iau.ir*)
(ORCID: 0009-0005-9818-5289)

مهری پاکزاد: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران.
(Email: *pakzad@iau-mahabad.ac.ir* (نویسنده مسئول:
(ORCID: 0000-0001-8156-4454)

نسرین چیره: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران.
(Email: *Nasrin.chireh1351@iau.ir*)
(ORCID: 0000-0001-6825-0565)

نادر کریمیان سردشتی: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران.
(Email: *Nk_sardashti@yahoo.com*)
(ORCID: 0000-0001-9433-9678)

COPYRIGHTS
©2021 The author(s). This is an poen access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Shahla Rostami: PhD student, Department of Persian Language and Literature, Mah.C., Islamic Azad University, Mahabad, Iran.
(Email: *Shahla.rostami@iau.ir*)
(ORCID: 0009-0005-9818-5289)

Mehri Pakzad: Department of Persian Language and Literature, Mah.C., Islamic Azad University, Mahabad, Iran.
(Email: *pakzad@iau-mahabad.ac.ir* : Responsible author)
(ORCID: 0000-0001-8156-4454)

Nasrin Chireh: Department of Persian Language and Literature, Mah.C., Islamic Azad University, Mahabad, Iran
(Email: *Nasrin.chireh1351@iau.ir*)
(ORCID: 0000-0001-6825-0565)

Nader Karimian Sardashti: Department of Persian Language and Literature, Mah.C., Islamic Azad University, Mahabad, Iran.
(Email: *Nk_sardashti@yahoo.com*)
(ORCID: 0000-0001-9433-9678)